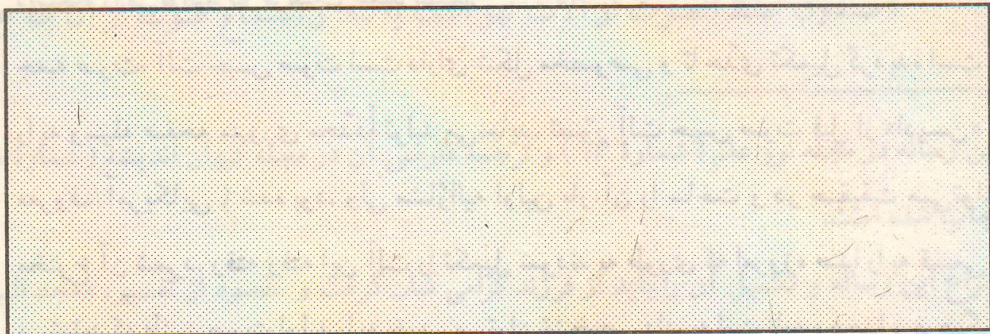


حکم فقہی صندوق حفظ الصوت
(کراما غون)

رساله‌ای از شیخ محمدرضا اصفهانی



بسمه و بحمد

سؤال:

صندوق حفظ الصوت^۱ از آلات لهو است یا نه؟ و استماع صوت از آن چه حکم دارد؟

جواب:

آلت لهو به شهادت عرف، و تصریح فقهاء - رضوان الله علیهم - آن است که از برای لهو ساخته شده باشد، و منفعت مقصوده حلال نداشته باشد. و هیچ کدام از این دو در صندوق حافظ الصوت - یا کاتب الصوت چنانچه ترجمه لفظ اسم او است - نیست. مخترع آن هیچ قصدی نکرده جز این که سری از اسرار مودعه در طبیعت را کشف نماید و ظاهر سازد که قدرت کامله الهیه تعلیم نوشتن اصوات را به او آموخته و مین بعد خواندن آن را، که هیچ کس نمی تواند چنین خطی بنویسد و جز او نمی تواند او را بخواند.

و حال این آلت حال سایر آلات صوت است مانند تلفن و رادیو، و هیچ کدام آلت لهو نیست ولو آنکه گاهی از آن استفاده حرام بشود و فرق واضح است ما بین آلات معده برای حرام و بین انتفاع محرم از حلال.

نرد و شطرنج، آلت حرام است و لو آنکه ممکن باشد انتفاع حلال از آنها^۲ و گردو^۳ و انگشتر [الت

۱- مقصود همان گرامافن است که در آن روزها (شصت سال پیش) تازه به ایران آورده بودند و معمولاً از آن برای شنیدن آوازهایی که شنیدن آنها حرام بود استفاده می شد.

۲- زمانی که این رساله نگاشته می شد بدون شك شطرنج آلت حرام و از آلات معده برای حرام بوده است.

نرد که آن را تخته نرد هم می گویند شبیه شطرنج است و مرکب از تخته و سی مهره و دو طاس می باشد. به فرهنگ عمید رجوع شود.

۳- گردو بازی چنان است که دو گردو را پهلوی یکدیگر می نهند یا چند گردو را دو به دو به فاصله معین می چینند. سپس، طرف بازی گردویی را با کنار هر دو سبابه خود به طرف گردوها می غلطاند، اگر به گردوهای طرف مقابل بخورد برنده است و اگر از آن گذشت نوبت به دیگری می رسد که همین

حرام نیست] و لو آنکه بسیاری با آنها قمار می‌کنند^۱. و علی هذا حلیت و حرمت استماع، تابع صوت محفوظ در اوست، اگر صوت لهوی باشد حرام است استماع آن.

و مرحوم آیه‌الله خالی العلامة الحاج سید اسماعیل صدر - طاب ثراه -^۲ می‌فرمود: «در این حال آلت لهو است»^۳ و چنین است که می‌فرمود چه به اعتبار صفحه لهو است که آلت لهو بر آن صادق شده و بعد از نزع آن، و گذاشتن صفحه دیگر ابدآ آلت لهو نیست.

به هر حال چنانچه منفعت محرّمه بر این صندوق مرتّب می‌شود منافع محلّله بسیار هم از او حاصل می‌شود مانند حفظ اقارب و وصایا چنانچه علی المسموع در بعض بلاد، متعارف است، و حفظ پدر، صوت پسر خود را که عازم بر سفر بعیدی باشد، و یا پسر صوت پدر مشرف بر موت خود را که به استماع آن تسلی نماید، الی غیر ذلك از اغراض عقلانیه مثل سجلّات معاملات و نحوه.

و فذلکة المقام آن که: صندوق به قول مطلق نه آلت لهو است و نه استماع غیر لهو از آن حرام است، و حلیت و حرمت تابع صوت محفوظ در آن است و لهذا می‌توان گفت که حفظ آیات قرآنی و مواظب شافیة و استماع آن راجح است مگر آن که عناوین خارجیّه بر آن منطبق شود مثل توهین به إحصار آن در مجالس لهو.

و فعلاً در منزل یکی از طوائف معظمه تجار اصفهان صندوقی است که مرحوم آیه‌الله خالی الحاج سید اسماعیل صدر در آن سورة مبارکه فاتحه خوانده و من قطعه‌ای از نهج البلاغه را. اگر این صندوق در صدر اول اسلام موجود بود و خطبه غدیر خم را از لسان مطهر مبارک نبی و یا یکی از خطب وصیّ علیه السلام را ضبط کرده بود و در مجالس علما و اخیار خوانده می‌شد آیا این مجلس از مجالس باطل، و این آلت از آلات لهو شمرده می‌شد؟! و هیچ مؤمنی حکم می‌کرد که استماع آن

عمل را انجام می‌دهد (به لغت نامه دهخدا رجوع شود).

۱- انگشتر بازی نوعی قمار با انگشتر که حلقه انگشتری را پشت دست گذارده و به حرکت دست بدون کمک دست دیگر کم کم به سر انگشتان می‌رسانند پس اگر حلقه انگشتری داخل انگشت شد بازیگر برده است و اگر بر زمین افتاد باخته است (به لغت نامه دهخدا نگاه کنید).

۲- حاج سید اسماعیل صدر (۱۲۵۸ - ۱۳۳۸) فرزند سید صدرالدین عاملی دایی پدر حاج شیخ محمد رضا است؛ زیرا جدش شیخ محمد باقر؛ داماد سید صدرالدین بوده است. وی از مراجع تقلید معاصر با آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی می‌باشد.

۳- یعنی در حالی که صوت لهوی از آن استماع می‌شود.

حرام، و شکستن آن واجب است؟!

و اگر در یوم عاشورا صوت مبارك «هل من ناصر ینصرنا» را ضبط نموده بود و در مجالس روضه خوانی خوانده می شد آیا اثر آن در ابکاء و إثارة^۱ حزن و اندوه زیاده از ده هزار روضه خوان نبود. و عجب آنکه مانع استماع صوت حلال از آن، تجویز استماع از رادیو را می نماید^۲ و حال آنکه رادیو اولی به تحریم است چون قوام لهو در حافظ الصوت همان صفحات لهویه است که بالمرّة جدا از صفحات دیگر است و بعد از انتزاع آن و گذاشتن صفحه دیگر بالمرّة از عنوان لهو خارج می شود و هیچ اشتراکی با هم ندارند به خلاف رادیو که تمام امواج اصوات مختلفه را به يك نحو اخذ می کند - علی المذكور.

و بسیار می شود که صندوق مزبور را متصل می کنند به رادیو و صوت حافظ الصوت را از رادیو استماع می کنند.

نمی دانم مفصل بینهما حکم کدام يك را بر او جاری می کند؟ آیا حکم صندوق را که حرام می داند و یا رادیو را که جایز می شمارد؟.

و شاید نظر مانع به افراد خاصه باشد که به قصد لهو اتخاذ می شود و اختصاص داده می شود به لهو و مجالس لهو، و علی هذا راجع به مصداق است، و تعیین آن از وظائف فقیه نیست اگر چه باید تأمل نمود در حکم غیر آلت لهوی که اختصاص داده می شود به لهو مثل فردی از افراد انگشتر و غیره را به قمار.^۳

نسخه این سؤال و جواب در اختیار برخی از علما و فقهای حوزه علمیه قم قرار می گیرد و

۱- برانگیختن.

۲- یکی از مجتهدان معاصر حاج شیخ محمد رضا فتوا داده است: استماع از رادیو حلال و استماع از گرامافون حرام است و مرحوم حاج شیخ از این فتوای به تفصیل تعجب، می کند.

۳- مقصود حاج شیخ محمد رضا این است که به صرف اختصاص دادن چیزی را (که هم منفعت مقصوده حلال و هم منفعت حرام دارد) به لهو و حرام، نمی توان به طور جزم گفت که آن چیز از آلات لهو و حرام به حساب می آید. مانند اختصاص دادن انگشتری را به قمار بازی، آیا می توان گفت، در این صورت این انگشتر آلت لهو و حرام است؟ یا باید گفت آلت لهو و حرام نیست اما از آن استفاده های لهوی و حرام می شود.

در برخی مجالس هم شفاهاً مرحوم شیخ محمد رضا نظر خود را اظهار می‌کند. یکی از فقهای معاصر ایشان به این فتوا اشکال می‌کند و می‌گوید گوش دادن به گرامافون مطلقاً حرام است و در عین حال فتوا می‌دهد که استماع غیر لهو از رادیو جایز است. و نیز مرحوم (حاج میرزا مهدی ظ) بروجردی^۱ در مقابل فتوای حاج شیخ محمد رضا از مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری^۲ - که حاج شیخ محمد رضا از ایشان به عنوان «آیه الله صاحبنا» تعبیر می‌کند - نقل می‌نماید که ایشان هم گوش دادن به گرامافون را مطلقاً حرام می‌دانسته‌اند.

مرحوم حاج شیخ محمد رضا از این دو موضوع آگاه می‌شود و برای رفع شبهه، و واضحتر شدن نظریه اش نوشته دیگری در چند صفحه می‌نویسد به این شرح:

داعی [این جانب] بر نوشتن حکم صندوق حافظ الصوت:

در مجلسی حقیر عقیده خود را در تفصیل [استماع لهو از صندوق حفظ صوت حرام و استماع غیر لهو از آن حلال است] اظهار نمودم، من بعد مسموع شد که بعضی علمای عصر حکم به تحریم مطلق نموده با تصریح به جواز استماع غیر لهو از رادیو.

بعد از تأمل کافی، مناسب دانستم که آنچه به نظرم رسیده بنویسم.

داعی این جانب بر ارسال صورت جواب را به قم:

چون فعلاً بحمدالله تعالی مرکز علم بلده طیبه قم است فوق العاده طالب مباحثات علمیه با علما و فضلاء آنجا هستم و چون اسباب مساعد نیست که حضوراً گفتگو نمایم لهذا به مکاتبه، خود را تسلی می‌دهم، مثل مسأله ترتب و تیمم^۳، این دون اینکه خواهش موافقت از کسی نمایم یا داعی بر آن داشته

۱- مرحوم حاج میرزا مهدی بروجردی (صاحب تألیفات متعدد که یکی از آنها «برهان روشن» در عدم تحریف قرآن مجید است) در زمان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی از نزدیکان ایشان به شمار می‌آمد و بخشی از کارهای آیتالله حائری توسط ایشان انجام می‌شد.

۲- مؤسس حوزه علمیه قم و متوفای ۱۳۵۵.

۳- ترتب یکی از مسائل و مباحث علم اصول فقه است که موافق و مخالف آن بحثهای گسترده‌ای پیرامون آن دارند و خلاصه اصل مسأله این است: اگر مولای حکیم دو مطلوب دارد یکی اهم و دیگری مهم، و برای عبد ممکن نیست هر دو را با هم به جا آورد آیا می‌تواند هر دو را در طول هم از عبد بخواهد. یعنی خواسته خود را مثلاً با این عبارت بگوید: از تو می‌خواهم اهم را انجام دهی و اگر

باشم، اذا اتضح لي الطريق لايوحشني عدم الرفيق، و اگر موافق لازم باشد موافقت حجتی الاسلام نجف آبادیان^۱ کافی است، و اگر قم خصوصیت دارد، موافقت آقای حجة الاسلام نویسی^۲ هم حاصل است.

و امتناع از موافقت اگر برای حفظ جمعی و خوف از تعدی عوام از قسم حلال به حرام باشد مثل منع از شرب دخان در نهار شهر رمضان مع الفتوی بعدم مُفْطِرْتِه^۳، چنانچه بنای جمعی بر آن است، مثل مرحوم حاج شیخ محمد باقر جد^۴ - طاب ثراه - و غیره، فله وجه، و حقیر هم موافقم و لهذا نظر

اهم را انجام نمی‌دهی از تومی خواهم مهم را انجام دهی. پس هر دو امر دارد اما امر دومی مترتب بر مخالفت یا عزم بر مخالفت با امر اولی است. مرحوم حاج شیخ محمد رضا مانند استادش سید محمد فشارکی قائل به ترتب بوده و ظاهراً پیرامون آن با برخی از اعاظم مکاتبه داشته است.

و اما مسأله تیمم ممکن است عطف به ترتب باشد و از مصادیق آن، پس هر دو يك مسأله است. اما اگر مقصود مسأله دیگری پیرامون تیمم باشد که مرحوم حاج شیخ محمد رضا در مورد آن حرف تازه‌ای داشته و پیرامون آن با برخی از فقها مکاتبه نموده است برای ما معلوم نیست.

۱- میر سید محمد نجف آبادی (۱۲۹۴-۱۳۵۸) از شاگردان صاحب عروه و آخوند خراسانی و حاج آقا رضا همدانی و سید محمد فشارکی و سید اسماعیل صدر و شریعت اصفهانی می‌باشد و از سال ۱۳۲۷ تا پایان عمر در اصفهان از مدرّسان به نام فقه و اصول بوده است.

و **سید علی** نجف آبادی (۱۲۷۵-۱۳۶۲) از شاگردان میرزا محمد تقی شیرازی و سید محمد کاظم طباطبایی و آخوند خراسانی و سید محمد فشارکی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی بوده و از حدود ۱۳۲۵ تا پایان عمر در اصفهان به تدریس و افاده مشغول و از مراجع تقلید و فتوا در اصفهان به شمار می‌رفت؛ به دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۳۲ و ۴۸۱ رجوع شود.

۲- آقا شیخ حسن نویسی (۱۲۹۱-۱۳۷۱) از شاگردان حاج میرزا محمد ارباب قمی مؤلف «الاربعین الحسینیة» در قم و آخوند خراسانی صاحب کفایه و سید محمد کاظم یزدی صاحب عروه در نجف بوده، و از سال ۱۳۲۶ هـ ق که از نجف به قم بازگشته و تا پایان عمر از مدرّسان و فقهای عالیمقام حوزه علمیه قم، و از اعضای جلسه استفتای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بوده است. نویس زادگاه حاج شیخ حسن نویسی یکی از روستاهای بین قم و ساوه و در دوازده فرسخی قم قرار دارد.

۳- در مفطر بودن دود غلیظ میان فقها اختلاف نظر است برخی از فقها آن را از مفطرات نمی‌دانند.

۴- حاج شیخ محمد باقر بن حاج شیخ محمد تقی (۱۲۳۵-۱۳۰۱) از شاگردان حجة الاسلام شفتی و

خود را اشاعه ندادم و به عنوان بحث علمی اکتفا نمودم^۱ و عمل خودم بر اجتناب است مهما ممکن حتی از استماع از رادیو که مانع، آن را تجویز نموده است. و اگر به جهت مخالفت در اصل حکم است گمان می‌کنم در نوشته حقیر تأمل نشده و یا اصلاً ملاحظه نفرموده‌اند چنانچه علی المنقول سرکار آیه‌الله حجت^۲ - دام افضاله - تصریح به موافقت با حقیر نموده بودند با عدم ملاحظه نوشته حقیر، و زیاده بر آنچه نوشتیم نه می‌توان نوشت و نه می‌توان توضیح داد. لهذا اکتفا می‌کنم به جواب آنچه ثقة الاسلام آقای بروجردی نقل نمودند [از] مخالفت خلد مقام آیه‌الله صاحبنا - طاب ثراه -^۳ اگر مخالفت با آن مرحوم در حکم کلی شرعی بود، مثل مسأله منجزات مریض و قراءت خلف الامام الحق،^۴ جای توقف بود و لکن شبهه مصداقی است و گمان می‌کنم آن مرحوم در تمام عمر آن را

صاحب جواهر و شیخ انصاری و شیخ حسن کاشف الغطاء و پدرش حاج شیخ محمد تقی صاحب حاشیه معالم است. ریاست علمی و دینی اصفهان در اواخر با او بوده است.

۱- یعنی با اینکه به فتوای من استفاده حلال از گرامافون حلال است، در عین حال این فتوا را به عامه مردم نمی‌گویم و خودم هم از آن استفاده نمی‌کنم برای آنکه مبدا گرامافون تهیه کنند و به خاطر ضعف ایمان از آن استفاده حرام نمایند.

۲- آیه‌الله سید محمد حجت کوهکمره‌ای (۱۳۱۰ - ۱۳۷۲) در زمان حاج شیخ عبدالکریم حائری از مدرسان معروف حوزه علمیه قم و پس از ایشان یکی از مراجع تقلید به شمار می‌آمد.

۳- مقصود از آقای بروجردی همانطور که قبلاً گفته شد مرحوم حاج میرزا مهدی بروجردی و مقصود از «آیه‌الله صاحبنا» مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم می‌باشد و ظاهراً چون حاج شیخ محمد رضا با ایشان هم درس بوده و با هم از محضر سید محمد فشارکی استفاده می‌کردند از ایشان به «صاحبنا» تعبیر می‌کند.

۴- مقصود از منجزات مریض (که میان فقها در حکم آن اختلاف است که آیا به اندازه ثلث ما ترك میت صحیح است یا کل آن صحیح است گرچه بیش از ثلث باشد) این است که کسی در بیماری که به مرگ او متصل می‌شود در مال خود تصرف و معامله‌ای کند که به ورثه ضرر بخورد مثلاً خانه ده میلیون را صد هزار تومان بفروشد. منجزات در مقابل وصایا است که معلق بر مرگ اوست. و معلوم می‌شود مرحوم حاج شیخ محمد رضا با مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری در این مسأله اختلاف نظر داشته‌اند.

و در مسأله خواندن مأوم در نماز جماعت حمد و سوره را در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر

ندیده باشند و اگر هم دیده باشند، مثل حقیر دقت نفرموده باشند.
و حقیر صندوق را باز نموده و اجزاء آن را به دقت بازرسی نموده و سرّ آن را دانسته، و من بعد
جازم به جواز استماع غیر لهو شدم و یقین دارم اگر آن مرحوم نوشته حقیر را دیده بودند مثل من جازم
به جواز می شدند و فی الحقیقه ایشان موافق تقدیری با حقیرند.

و اگر کسی از عدول و ثقات از ایشان استفتاء می کرد که صندوقی را ابتیاع نموده‌ام برای اینکه
وصایای خود را در آن محفوظ دارم و نصایح خود را در آن حبس نموده‌ام که بعد از من اولاد من
صدای مرا بشنوند و متذکر من شوند و در آن ابداً صفحه لهو نگذاشته‌ام آیا آن مرحوم حکم به حرمت
و وجوب کسر^۱ می فرمودند به جهت این که افرادی از این صندوق در قهوه خانه با صفحه لهو موجود
است؟

حال این آلت شباهت دارد به جعبه‌ها که در آن اجزاء قرآن را می گذارند و اگر بعضی در آن
اجزاء «بیان» باب^۲ را بگذارند آیا سرایت می کند به اینکه در آن اجزاء قرآن است؟!
عموم عقلاء صورت فتوگرافی (عکس) آباء و اخوان خود را برداشته و برای تذکر محفوظ
می دارند و كذلك برای تبرک صور علما را، و حال اینکه اصل عکس به قول مطلق محل اشکال
است.^۳

(اخفاتیه) در صورتی که امام جماعت شیعه و دارای شرایط لازم باشد میان فقها اختلاف است.
فتوای حاج شیخ عبدالکریم این بوده که جایز است و ظاهراً مرحوم حاج شیخ محمد رضا قائل به
عدم جواز بوده و می فرموده جواز قراءت که در روایات آمده مربوط به صورتی است که امام
جماعت شیعه و مرضی نباشد. و مقصود حاج شیخ محمد رضا این است که این اختلاف فتوا و
مخالفت کردن با فتوای من در مورد گرامافون منتهی به استنباط حکم از آیات و روایات نیست، بلکه
معلول عدم دقت در موضوع حکم است که آیا گرامافون از آلات لهو و حرام است یا آلت مشترك بین
لهو و غیر لهو و حرام و حلال؟ و گرنه حکم هر دو صورت میان من و مخالفان من مورد اختلاف
نیست.
۱- کسر = شکستن.

۲- یعنی کتاب «بیان» از سید علی محمد باب (رئیس فرقه ضالّه مضلّه باییه) که از کتب ضالّه است.

۳- گویا مقصودشان این است: برخی از فقها علاوه بر اینکه نقاشی صورت انسان را مثلاً حرام
می دانسته اند عکس گرفتن را هم بی اشکال نمی دانستند.

الحال که عکس مرحوم آیه الله در مقبره ایشان^۱ موجود است و عموم مردم زیارت می کنند و موجب مزید محبت و رقت و ترحم است. اگر صوت مبارك و قراءت قرآن و یا بیان مسأله علمیه ایشان هم در صندوقی محبوس بود و در جنب صورت، صوت هم بود آیا اثر آن زیادتر نبود؟

عجب آنکه فتوگراف و فتوگراف یکی حافظ صورت و یکی حافظ صوت، و امور محرمه که مرتب بر اول است اضعاف مضاعف مرتب بر ثانی است از هتك ستور محصنات و ترتب عناوین ثلاثه یا اربعه که فقها ذکر کرده اند از «تلاذذ» و «ریبه» و «خوف افتنان» و «شهوت». و لهذا اکثر اطافهای فساق مزین است به عکوس نساء جمیلات عاریات در حال رقص و قبايح حالات، و مع ذلك ابدآ آلت حرام نیست^۲ و بیوت اهل دیانت و علم مزین است به عکوس آباء و اجداد و علما و مقابر آنها ایضاً كذلك، و لکن دوم آلت لهو و حرام است چون از بعض افراد آن استفاده حرام می شود. و فی الحقیقه نه استفاده حرام موجب صدق آلت لهو می شود و نه قصد متبایعین حرام را، چنانچه عمده توهم از این دو جهت است چنانچه مرقوم شده بود^۳ و به بیان مراد فقها از آلت معده و منفعت مقصوده که فذلکه المقام است خاتمه می دهم و گمان می کنم بعد از آن هیچ محل تردیدی باقی نماند ان شاء الله.

۱- محلی که اکنون قبر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری در آن قرار دارد قبلاً به صورت يك مقبره بزرگ بود و عکس مرحوم حاج شیخ هم در آنجا نصب شده بود و مردم علاوه بر قبر، تمثال مبارکش را هم زیارت می کردند.

۲- یعنی دوربین عکاسی را با اینکه از آن، استفاده های حرام بیشتر می شود و مفاسدش بیشتر است آلت مختص به حرام نمی دانند بلکه آن را وسیله مشترك بین حلال و حرام به حساب می آورند پس چطور صندوق حفظ صوت را که مفاسدش کمتر است وسیله مختص به حرام به حساب می آورند.

۳- کسانی که گرامافون را آلت لهو به شمار آورده اند به دو جهت نظر داشته اند یکی اینکه از آن استفاده حرام می شود، دیگر اینکه قصد خریدار یا خریدار و فروشنده این است که از آن استفاده حرام شود. اما روشن است که این دو جهت موجب نمی شود که گرامافون آلت لهو و حرام شمرده شود. زیرا مثلاً چاقو هم ممکن است مورد استفاده حرام قرار گیرد و یا احیاناً خریدار قصد استفاده حرام از آن داشته باشد، آیا به صرف این دو جهت می توان گفت چاقو آلت حرام است و مشترك نیست. باید دقت شود که حرمت استفاده حرام و یا حرمت معامله در صورتی که خریدار و یا فروشنده به قصد استفاده حرام می خرند و می فروشند ملازمه ای با آلت حرام بودن و مشترك نبودن ندارد.

مناطق در منفعت مقصوده یا معده با اعتبار هیأت عارضه بر جسم است.^۱ پس اگر منفعت متعارفه آن حرام باشد آلت لهو است و لو آنکه متعارف شود استعمال آن در غیر آن منفعت مثل طبل و سنطور، چه نفع هیأت این دو، لهو است و لو آنکه هیچ کس او را استعمال نکند یا استعمال کند در غیر آن، پس اگر در بلدی متعارف شود که روی طبل گندم را خشک کنند یا سنطور برای پیش تخته بخاری به کار برند از آلت لهو بودن خارج نمی‌شود و کسر آن لازم است^۲ به خلاف انگشتر و فنجان^۳ و لو با آنها قمار کنند و متعارف شود در زمانی یا در مکانی، چون هیأت آن دخیل در قمار نیست و همچنین است حال، در سایر حاجیات^۴ بشر مثل ظروف و افرشه و البسه. هیأت کلاه برای روپوش سراسر است و جوراب برای پوشیدن پا، پس اگر در مکانی یا زمانی عکس استعمال نمایند و فرض شود احکامی بر خصوص کلاه و جوراب باشد، تغییر نخواهد کرد^۵ و اگر صد سال در

۱- این نظریه (یعنی هیأت را ملاک گرفتن) صحیح نیست بلکه ملاک برای آلت لهو بودن و آلت حرام بودن این است که منفعت متعارف آن حرام باشد و منفعت حلال آن اصلاً مورد توجه نباشد و این تعارف ممکن است در دو زمان یا دو مکان دو جور باشد و معنی تأثیر زمان و مکان در اجتهاد همین است و لازمه حرف حاج شیخ محمد رضا - رحمه الله علیه - این است که زمان و مکان هیچ تأثیری نمی‌توانند داشته باشند و صحیح نبودن فرموده‌ایشان در مثالهایی از قبیل کلاه و جوراب که خودشان ذکر کرده‌اند روشنتر است.

۲- فتوای امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - در مورد شطرنج، درست در مقابل این نظریه استادشان می‌باشد. زیرا ایشان تصریح کرده‌اند که اگر زمانی قمار با آلت شطرنج به طور کلی منتفی شود و فقط از آن به عنوان ورزش فکری استفاده گردد در این صورت آلت حرام نیست و استفاده از آن و بازی با آن بدون برد و باخت به عنوان ورزش مثلاًبی مانع است.

۳- قمار با فنجان و استکان مانند قمار با گردو و انگشتری در قدیم مرسوم بوده، اما از کیفیت آن اطلاعی ندارم.

۴- برای دخیل بودن هیأت در قمار و همچنین دخیل بودن هیأت در آلت لهو بودن، معنی صحیح و قابل قبولی به نظر نمی‌آید.

۵- واژه حاجیات گویا اصطلاح محلی باشد و شاید هم این جانب کلمه را درست نخوانده باشم. در هر صورت مقصود به کمک مثالهایی که بعد از این ذکر شده روشن است.

۶- از این گونه فتاوا روشن می‌شود که آنچه امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - به عنوان تأثیر زمان

مملکتی جوراب را سرگذارند و به پا کلاه را بپوشند، باز کلاه کلاه است و جوراب جوراب.^۱

و مکان در اجتهاد صحیح مطرح کرده‌اند در زمانهای گذشته حتی تا چند سال قبل مورد توجه همه فقها نبوده است. هذه من علاه إحدى المعالی.

۱- بله جوراب جوراب است و ممکن است اسمش عوض نشود اما اگر به عنوان پوشش پا موضوع حکم شرعی قرار گیرد و در زمانی و یا مکانی به طور کلی از آن برای پوشش سر استفاده شود آن حکم را نخواهد داشت.